



سلسله گزارش‌های رصد جمعیت کشور



National Population Monitoring Technical Report Series: 8

November 2021



آبان ماه ۱۴۰۱

نشانی: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوم، پلاک ۵

کد پستی: ۱۵۳۱۶۳۵۷۱۱

تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۳۴۳۲۱ (+۹۸) نمابر: ۰۲۱-۸۸۵۰۲۵۷۵ (+۹۸)

info@nipr.ac.ir

www.nipr.ac.ir



کارفرما: مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور

عنوان: سلسله گزارش‌های رصد جمعیت کشور - (۸)

تهیه‌کننده: دکتر احمد محجوبیان

تاریخ تصویب طرح: شهریور ماه ۱۴۰۱

تاریخ اتمام طرح: آبان ماه ۱۴۰۱

مسئولیت صحت مطالب و محتوای این اثر بر عهده مجری طرح می‌باشد.
کلیه حقوق این اثر محفوظ و متعلق به مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور می‌باشد.

بسمه تعالی

سلسله گزارش‌های رصد جمعیت کشور

گزارش هشتم

۱- «نرخ ازدواج» و «میانگین سن ازدواج در مردان و زنان»

۲- «تعداد طلاق» و «نسبت تعداد طلاق‌ها به تعداد خانوارها»

مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور

فهرست مطالب

۱ «نرخ ازدواج و شاخص» و «میانگین سن ازدواج به تفکیک مردان و زنان».....	۳
۱,۱ وضع موجود کشور.....	۳
۱,۲ وضعیت جهانی.....	۴
۱,۳ جمع‌بندی.....	۷
۱,۴ منابع.....	۷
۲ «تعداد طلاق» و «نسبت تعداد طلاق‌ها به تعداد خانواده‌ها».....	۹
۲,۱ وضع موجود کشور.....	۹
۲,۲ وضعیت جهانی.....	۱۱
۲,۳ تحلیل و علت‌کاوی.....	۱۲
۲,۴ جمع‌بندی.....	۱۳
۲,۵ منابع.....	۱۳

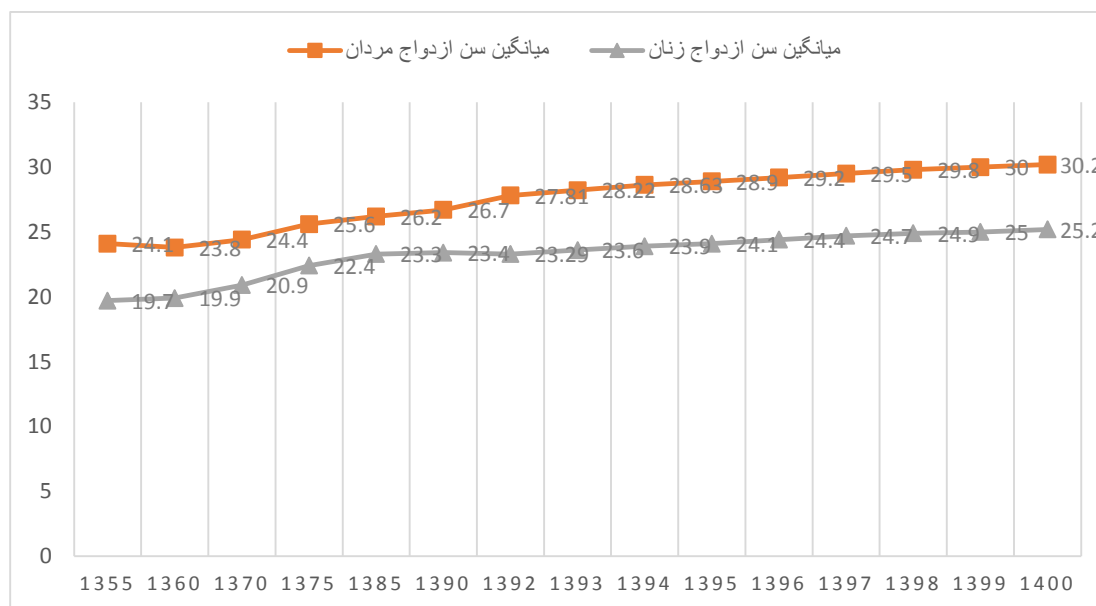
۱ «نرخ ازدواج و شاخص» و «میانگین سن ازدواج به تفکیک مردان و زنان»

تعریف نرخ ازدواج: نسبت تعداد ازدواج به تعداد کسانی که در سن ازدواج قرار دارند. حداقل قانونی سن ازدواج در قانون مدنی مبنای محاسبه است؛ ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران (ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی).

۱.۱ وضع موجود کشور^۱

ازدواج مبنای تشکیل خانواده است. خانواده نخستین و عمده‌ترین واحد اجتماعی است که یکی از وظایف مهم آن فرزندآوری است. ارتباط ازدواج و تشکیل خانواده با تجدید نسل انسانی (باروری) بسیار تنگاتنگ است. زمان وقوع ازدواج (سنی که در آن ازدواج اتفاق می‌افتد)، تأثیر بلافصلی بر باروری دارد. زیرا هرچه سن ازدواج پایین‌تر باشد، مدت سال‌هایی که یک زن در معرض باروری قرار می‌گیرد، بیشتر است.

همان‌طور که در نمودار زیر ملاحظه می‌شود در ۴۵ سال اخیر، میانگین سن ازدواج هم در مردان و هم در زنان، رشد داشته است. سرعت افزایش میانگین سن ازدواج مردان از سال ۱۳۷۰ شتاب گرفته است. این درحالی است که سرعت افزایش سن ازدواج زنان از ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ شتاب گرفته؛ اما از ۱۳۸۵ شاهد شیب ملایمی در افزایش آن هستیم.

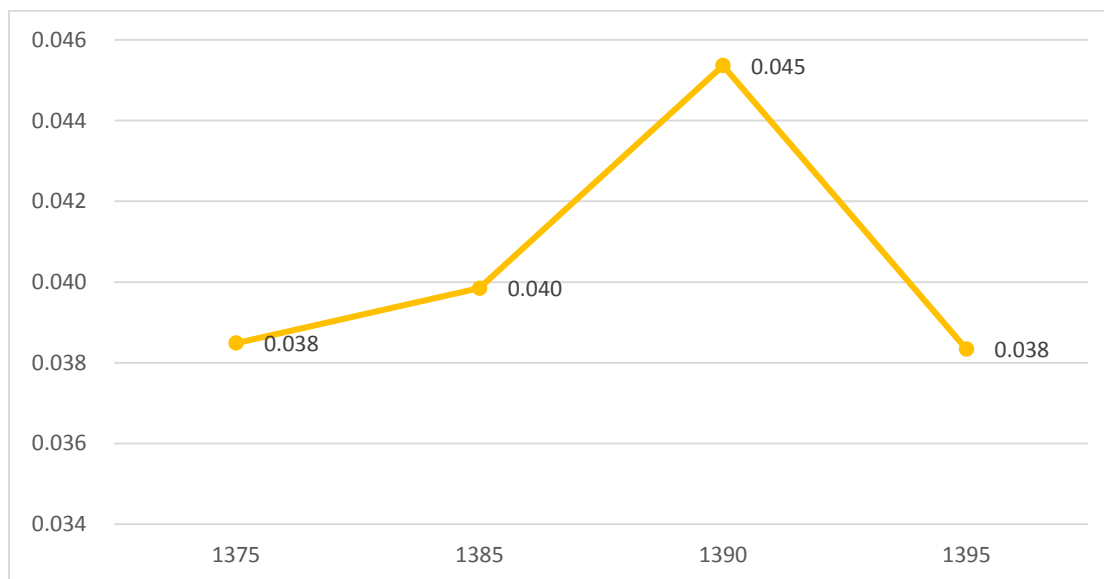


نمودار ۱. میانگین سن ازدواج

مرجع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶) و (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۱)

^۱ شاخص‌هایی که از نظر تحلیل و عوامل مؤثر شباهت داشتند در یک‌جا آورده شده‌اند. اما بخش وضع موجود برای هر یک آورده شده است (نگارنده).

نمودار زیر نشان‌دهنده روند نسبت تعداد ازدواج‌ها به تعداد افراد مجرد بالای ۱۵ سال کشور است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این نسبت از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ روندی صعودی داشته که می‌توان آن را ناشی از ازدواج‌های موج جمعیتی متولد شده در دهه ۱۳۶۰ دانست. در پنج سال اخیر، این روند روبه کاهش نهاده و مقدار این شاخص تقریباً به مقدار سال ۱۳۸۵ رسیده است.

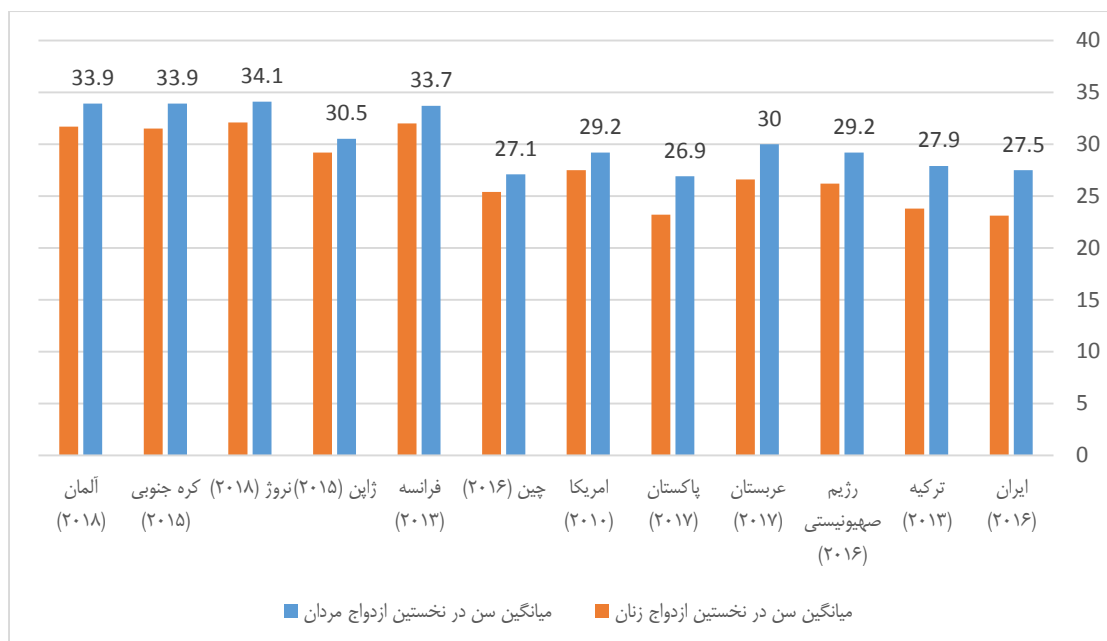


نمودار ۲. نرخ ازدواج

مرجع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶) و (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۶) و (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۱)

۱,۲ وضعیت جهانی

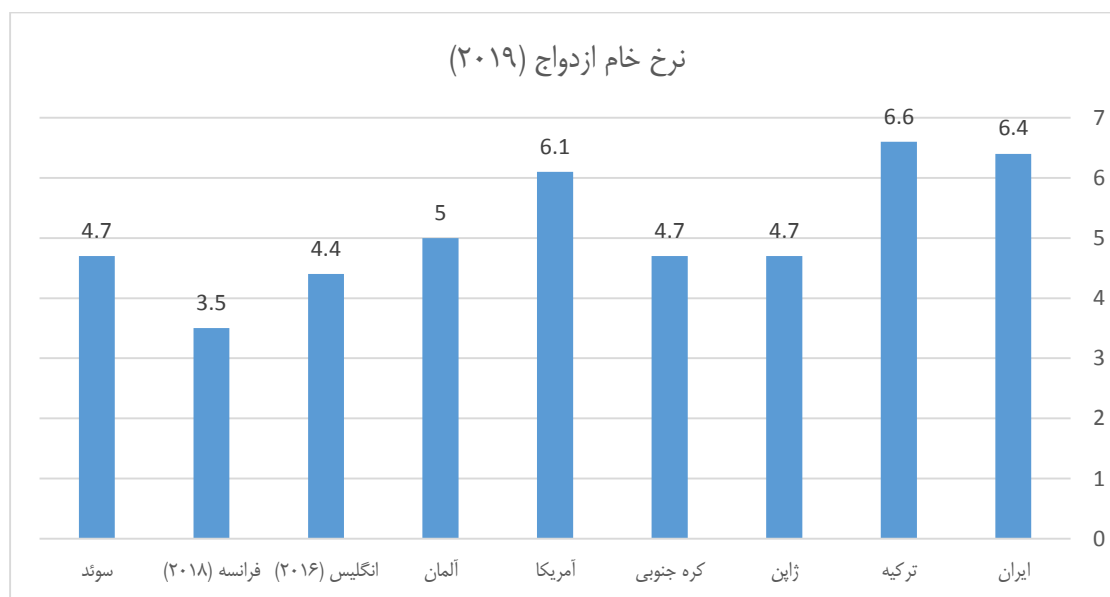
مقایسه سن ازدواج در کشورهای مختلف نشان‌دهنده آن است که به‌رغم روند افزایشی سن ازدواج در ایران، ارقام مربوط به این شاخص هنوز نسبت به کشورهای دیگر کمتر است؛ به‌طوری‌که مقدار شاخص نسبت به کشورهای اروپایی بسیار پایین‌تر و حتی از کشورهای هم‌سایه‌ای مانند ترکیه و عربستان نیز کمتر است، هرچند ارقام این شاخص در ایران نسبت به کشورهای پاکستان و چین بیشتر است.



نمودار ۳. میانگین سن ازدواج در کشورهای مختلف

مرجع: (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲)

مقایسه مقدار نرخ خام ازدواج با برخی از کشورهای دیگر نشان‌دهنده بالابودن نسبی مقدار این شاخص در ایران است. این موضوع بدین معناست که به‌رغم مشکلاتی که بر سر راه ازدواج و تشکیل خانواده‌های جدید وجود دارد، به‌دلایلی از جمله جوان‌بودن جمعیت کشور، تعداد ازدواج‌ها در مقایسه با کشورهای دیگر به‌نسبت زیادتر است هرچند که این نرخ در ترکیه بیش از ایران بوده و عدد مربوط به آمریکا هم به ایران نزدیک می‌باشد.



^۲ نرخ خام ازدواج عبارت است از: تعداد ازدواج به‌ازای هزار نفر جمعیت (United Nation, Department of Economic and Social Affairs, 2015)

مرجع: (United Nations Demographic Yearbook 2020)

د. تحلیل و علت کاوی

علل کلان بالارفتن سن ازدواج را می‌توان در کل به دو دسته عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی-فرهنگی تقسیم کرد:

از جمله عوامل اقتصادی می‌توان به مقوله بیکاری اشاره کرد که در پژوهش‌های بسیاری به آن پرداخته شده است (توده فلاح، کاظمی پور، ۱۳۸۹)، (هزارجریبی، آستین افشان، ۱۳۸۸)، (محمودیان، ۱۳۸۳). این مطالعات نشان می‌دهد اشتغال زنان به‌ویژه اشتغال در بخش صنعت، بیکاری مردان و نرخ مشارکت اقتصادی^۳ زنان در افزایش سن ازدواج مؤثر هستند. هرچه میزان اشتغال زنان و مشارکت اقتصادی آن‌ها بیشتر شود، سن ازدواج آن‌ها بالاتر می‌رود، در مقابل، در میان مردان هرچه میزان بیکاری بیشتر باشد، سن ازدواج آن‌ها بالاتر می‌رود.

از سوی دیگر، طبق این پژوهش‌ها طی سه دوره سرشماری (۱۳۵۵-۱۳۶۵، ۱۳۷۵-۱۳۶۵ و ۱۳۷۵-۱۳۸۵) در مناطق شهری و روستایی میزان شهرنشینی و میزان مشارکت اقتصادی زنان افزایش و میزان بیکاری مردان ابتدا افزایش و سپس کاهش داشته است. در این سه دهه با افزایش سن ازدواج مواجه هستیم. بالارفتن سن ازدواج زنان هم‌زمان با افزایش شهرنشینی و مشارکت اقتصادی زنان به معنای تغییر سبک زندگی است که در نهایت به افزایش سن ازدواج منجر شده است. از سوی دیگر، بیکاری مردان نیز مزید بر علت می‌شود یعنی در مقابل زنان بیشتری که شاغل شده‌اند مردان کمتری شاغل هستند که با توجه به اینکه همچنان در ایران مرد در جایگاه نان‌آور خانواده محسوب می‌شود، طبیعی است بیکاری بر سن ازدواج آن‌ها اثر بگذارد (توده فلاح، کاظمی پور، ۱۳۸۹)، (هزارجریبی، آستین افشان، ۱۳۸۸) و (محمودیان، ۱۳۸۳).

از جمله عوامل اجتماعی-فرهنگی می‌توان به تغییر بافت فرهنگی جامعه مانند اعتقاد به برابری جنسیتی و افزایش رویکرد رمانتیک به ازدواج و تغییرات اجتماعی همچون خودانتخابی شدن ازدواج و افزایش سطح تحصیلات به‌ویژه در زنان اشاره کرد (حبیب پور، غفاری، ۱۳۹۰).

در خصوص شاخص سن ازدواج که یک شاخص بسیار مهم جمعیت‌شناختی است، متأسفانه به اندازه کافی مطالعه نشده است؛ اما با توجه به مطالعات موجود می‌توان گفت، از جمله عوامل مهم بالارفتن سن ازدواج، بیکاری مردان است، از طرفی تغییرات اقتصادی-اجتماعی و تغییرات بافت فرهنگی جامعه (همان) در ایران، باعث شده کشور از حالت سنتی خارج و به سمت مدرن شدن برود. هنوز هنجارها و

^۳ نرخ مشارکت اقتصادی به معنی نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار، ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) ضرب در ۱۰۰ (رجائیان & باقرپور، ۱۳۹۴).

ارزش‌ها به تعادل و ثبات نرسیده‌اند و در نتیجه برخی هنجارها و ارزش‌ها، ازدواج در سن پایین را خوب و برخی دیگر آن را بد می‌دانند. برای کاهش سن ازدواج باید از یک‌سو با فعالیت فرهنگی، هنجارهای مناسب را ترویج کرد و از سوی دیگر با فراهم کردن امکان فعالیت اقتصادی بیکاری را کاهش داد و همچنین از طریق قانون گذاری بستر مناسب را برای برقراری تعادل میان کار و منزل، فراهم کرد.

۱,۳ جمع‌بندی

به جرأت می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی کاهش باروری، افزایش سن ازدواج در میان مردان و زنان است. این موضوع هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و روانی، احتمال فرزندآوری بیشتر در خانواده‌ها را کاهش می‌دهد. اهمیت این موضوع در کشور ما هنگامی آشکار می‌شود که توجه کنیم ۱۲ میلیون نفر هرگز ازدواج نکرده‌اند که با ازدواج آن‌ها نرخ باروری می‌تواند جهش بزرگی داشته باشد.

همان‌طور که در قسمت‌های قبل بیان شد، اعداد مربوط به میانگین سن ازدواج مردان و زنان در کشور طی سال‌های گذشته روند افزایشی داشته است که با توجه به توضیحات بالا، این موضوع را می‌توان در خلاف جهت سیاست‌های کلی جمعیت دانست؛ اما از سوی دیگر ارقام مربوط به شاخص پیش‌گفته همچنان نسبت به سایر کشورها در رتبه پایین‌تری قرار دارند و بدین‌روی، می‌توان گفت در حال حاضر کشور از نظر ظرفیت اجرای سیاست‌های افزایش جمعیتی در وضعیت نسبی بهتری نسبت به سایر کشورها قرار دارد؛ اما باید توجه کرد که این ظرفیت خوب می‌تواند در اثر شتاب منفی زیادی که در سال‌های اخیر در افزایش سن ازدواج مشاهده می‌شود، روبه افول بگذارد.

همچنین آمارها نشان می‌دهد که تعداد نسبی ازدواج‌ها در ایران، در مقایسه با سایر کشورها بیشتر است؛ اما از سوی دیگر بررسی روند تغییرات نرخ ازدواج در کشور بیانگر کاهش تدریجی مقدار تشکیل خانواده‌های جدید است. نتیجه آنکه در حال حاضر فرصت مناسبی برای افزایش و جوان‌سازی جمعیت وجود دارد که اصطلاحاً از آن با عنوان «بازبودن پنجره جمعیتی» یاد می‌شود؛ اما باید یادآور شد که این فرصت دائمی نیست و زمان برای رسیدن به اهداف سیاست‌های کلی جمعیت در حال از دست رفتن است.

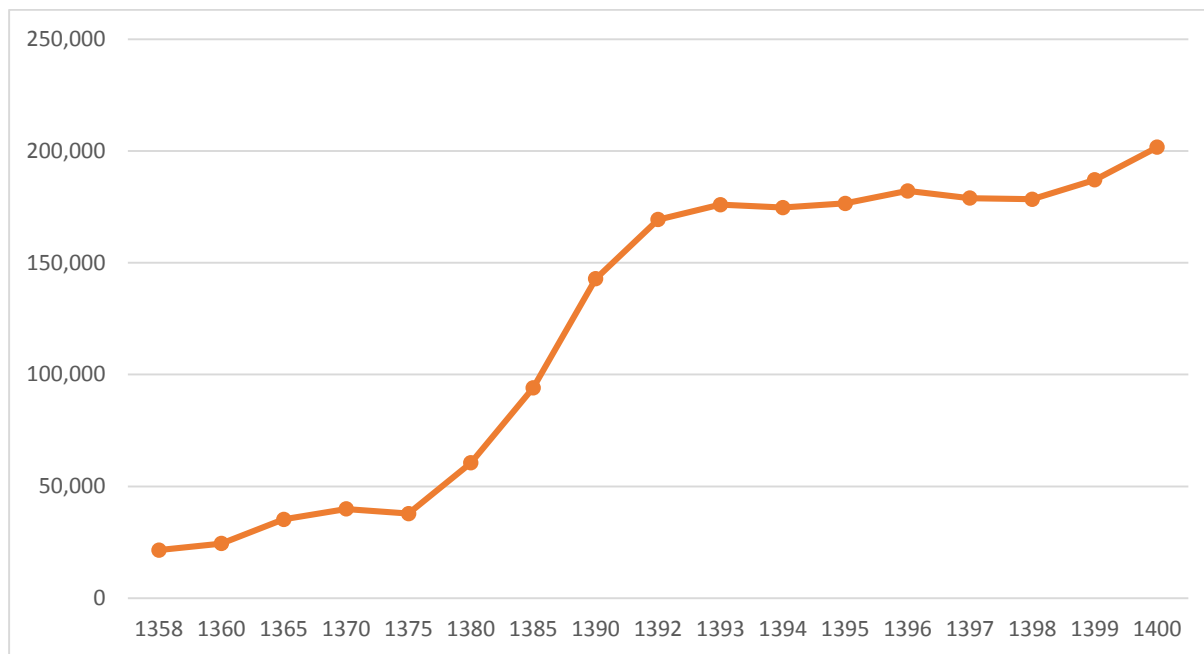
بهبود شرایط اقتصادی (مانند: افزایش اشتغال، کاهش هزینه‌های مسکن، بهداشت و آموزش)، برخی سیاست‌های حمایتی (مانند: هماهنگی شغل و خانواده به‌ویژه برای زنان) و فرهنگ‌سازی (مانند: ترویج ازدواج به‌موقع و آسان و تقویت نقش مادری در میان زنان) می‌تواند به بهبود هر دو شاخص میانگین سن ازدواج و تعداد ازدواج‌ها در کشور کمک کند.

۱,۴ منابع

۲ «تعداد طلاق» و «نسبت تعداد طلاق‌ها به تعداد خانواده‌ها»

۲,۱ وضع موجود کشور

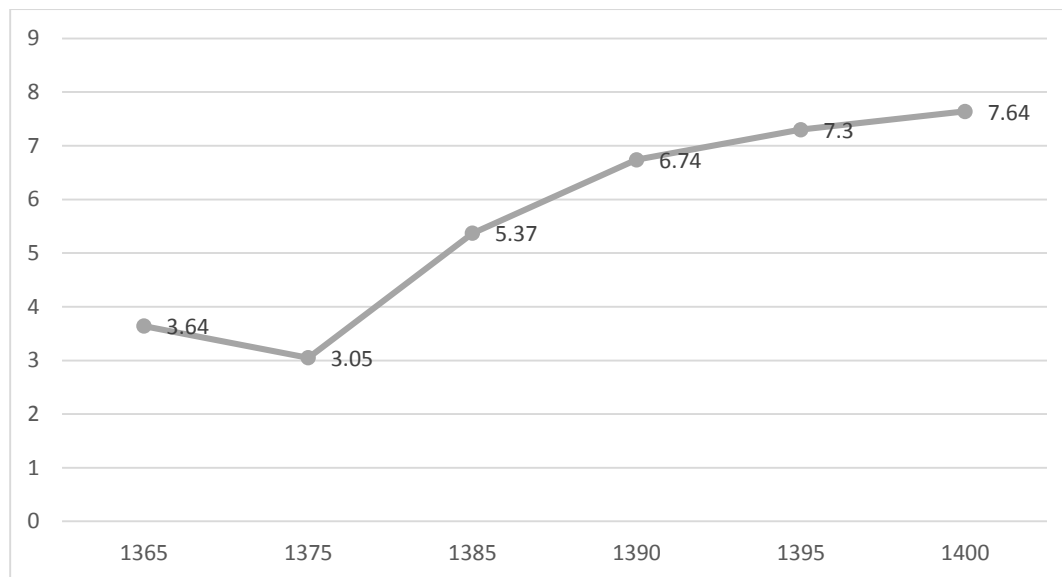
بررسی آمارها نشان می‌دهد تعداد سالانه طلاق‌ها در ایران روندی افزایشی داشته است به طوری که این رقم طی سال‌های پس از انقلاب حدوداً ۹ برابر شده است.



نمودار ۲,۱. تعداد طلاق

مرجع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶) و (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۱)

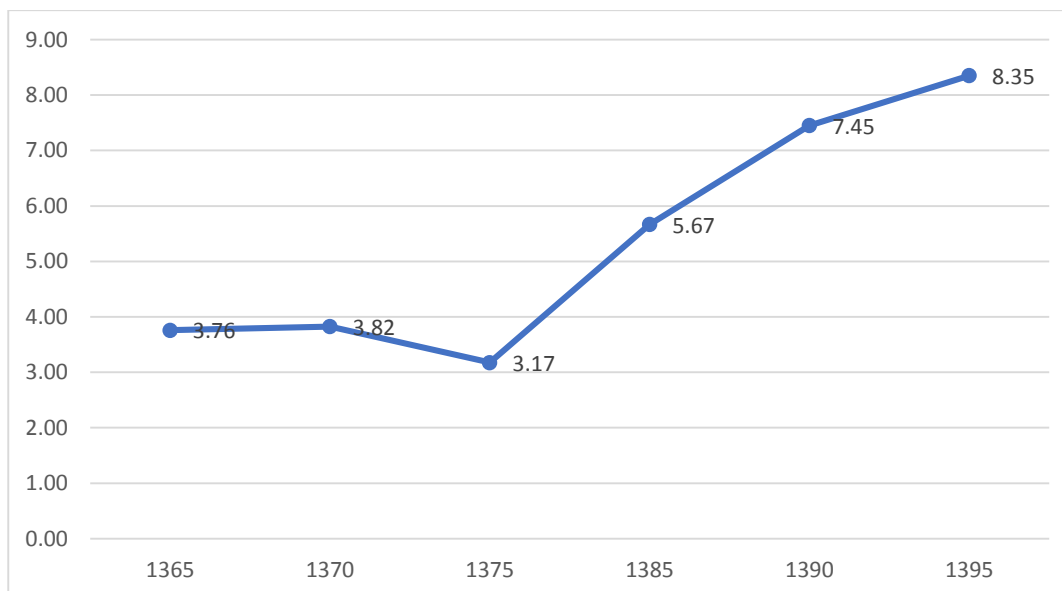
ممکن است چنین گمان شود که این موضوع ناشی از زیاد شدن تعداد خانوارهاست؛ اما نمودار زیر نشان می‌دهد برخلاف این تصور، نسبت تعداد طلاق به تعداد خانوارها نیز طی سال‌های یادشده روندی افزایشی داشته است. این بدان معناست که سرعت افزایش تعداد طلاق از سرعت رشد تعداد خانوارها بیشتر بوده است که این موضوع نشان‌دهندهٔ سست شدن بنیان خانواده‌ها طی این سال‌ها می‌باشد.



نمودار ع. تعداد طلاق در هزار خانوار

مرجع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶) و (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱) و (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۱)

از سوی دیگر، نمودار زیر روند تغییرات نسبت تعداد طلاق‌ها به تعداد خانواده‌ها را نشان می‌دهد.^۴ در واقع، این شاخص بیانگر آن است که چه سهمی از خانواده‌ها با مسئله جدایی و طلاق مواجه بوده‌اند. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود مقدار این شاخص از سال ۱۳۷۵ روندی افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۰ بیش از ۲٫۶ برابر شده است.

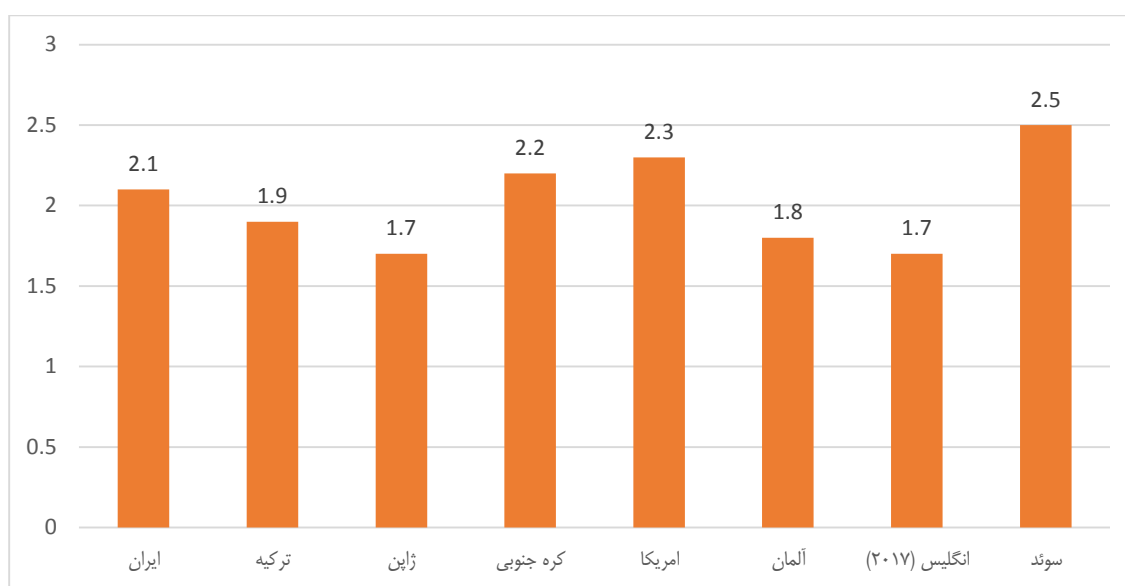


^۴ تعداد خانواده‌ها معادل تعداد زنان دارای همسر در نظر گرفته شده است.

مرجع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۰) و (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰) و (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹) و (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹)

۲،۲ وضعیت جهانی

مقایسه نرخ خام طلاق^۵ در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که ایران وضعیت بدتری نسبت به کشورهای هم‌چون ترکیه، ژاپن و آلمان دارد؛ اما وضعیت کشورهایی مثل آمریکا، سوئد و کره جنوبی در این زمینه بدتر از ایران است.



نمودار 8. نرخ خام طلاق در کشورها (۲۰۱۹)

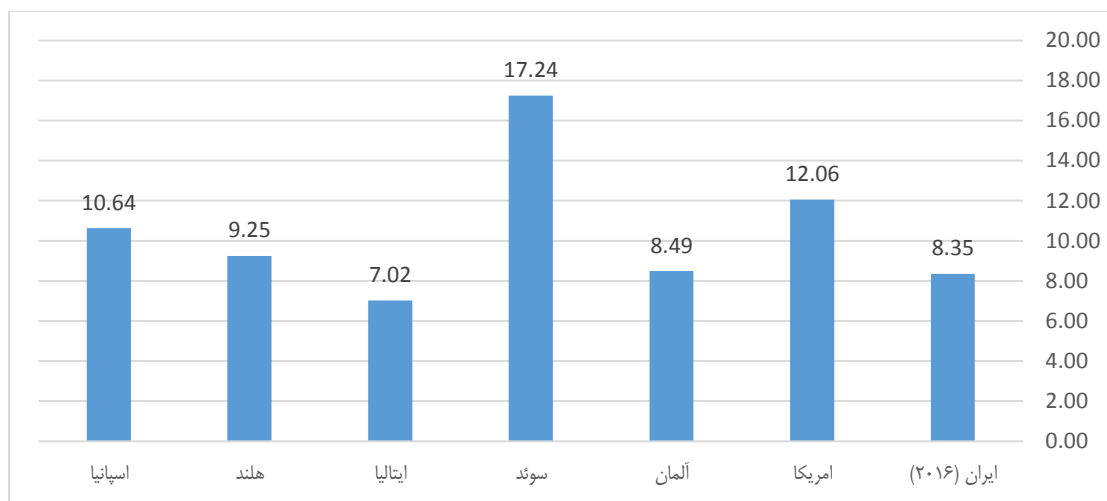
مرجع: (United Nation, Department of Economic and Social Affairs, 2020)

در نمودار بعدی نسبت تعداد طلاق به تعداد خانواده‌ها برای چند کشور مقایسه شده است. باید دقت کرد که باتوجه به شیوع پدیده هم‌خانگی^۶ در کشورهای دیگر، عملاً تعداد جدایی زوجین بیش از مقداری است که به عنوان آمار طلاق گزارش می‌شود زیرا طلاق صرفاً برای زوج‌هایی معنی دارد که ازدواج کرده باشند. همان‌طور که قابل انتظار است نمودار نشان می‌دهد که مقدار این شاخص در ایران کمتر از سایر کشورهای مقایسه شده است؛ البته این اختلاف به‌جز در مورد سوئد و آمریکا، در بقیه موارد چندان زیاد نیست و در مورد کشور ایتالیا نیز شاخص به‌نحو جالب‌توجهی پایین‌تر از کشورهای دیگر است.

^۵ نرخ خام طلاق عبارت است از تعداد طلاق به‌ازای هزار نفر جمعیت (United Nation, Department of Economic and Social Affairs, 2015)

^۶ Cohabitation

^۷ به عنوان مثال ۱۶٪ زوج‌های آلمانی در سال ۲۰۱۹ هم‌خانه بوده‌اند.



نمودار ۹. تعداد طلاق در هزار خانواده (۲۰۱۹)

مرجع: (United Nation, Department of Economic and Social Affairs, 2020) و UNECE, (۲۰۲۲)

۲,۳ تحلیل و علت کاوی

طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی از عوامل خرد و کلان زیادی تأثیر می پذیرد. در ادامه، تنها به عوامل کلان این پدیده پرداخته می شود.

از جمله عوامل کلان، عامل اقتصادی است که در مطالعات تجربی با عنوان های بیکاری، فقر، توسعه، ضعف اقتصادی، بحران اقتصادی و رکود (عیسی زاده، بلالی، قدسی، ۱۳۸۹)، (کاملی، ۱۳۸۶)، (اسحاقی، محبی، پروین، محمدی، ۱۳۹۱)، (قطبی، هلاکویی نایی، جزایری، رحیمی، ۱۳۸۳)، (زرگر، نشاط دوست، ۱۳۸۶)، (محمودیان، خدامرادی، ۱۳۸۹)، (ریحانی، عجم، ۱۳۹۱)، (قریشی، شیرمحمدی، برجومد، ۱۳۹۳)، (شهوولی، رضایی فرد، ۱۳۹۰)، عدم امنیت اقتصادی (عنایت، نجفی اصل، زارع، ۱۳۹۲)، و وضعیت نامناسب اقتصادی (ابراهیمی، بنی فاطمه، ۱۳۹۱)، (توسلی، غیائی ندوشن، ۱۳۹۰)، (محسن زاده، نظری، عارفی، ۱۳۹۰)، (حبیب پور گتابی، نازک تبار، ۱۳۹۰) و نابرابری توزیع درآمد (موسایی، مهرگان، گرشاسبی فخر، ۱۳۸۸) آمده است.

در توضیح عوامل بالا می توان چنین بیان داشت که درخصوص چگونگی تأثیر عواملی همچون فقر، بیکاری، ضعف اقتصادی، رکود، عدم امنیت اقتصادی، و وضعیت نامناسب اقتصادی بر طلاق موضوع واضح است. از دیگر عوامل مؤثر بر میزان طلاق، نابرابری در توزیع درآمد است؛ بدین معنا که هرچه نابرابری توزیع درآمد بیشتر باشد، نرخ طلاق افزایش می یابد. در مورد چگونگی تأثیر توسعه بر طلاق می توان گفت؛ هرچه میزان توسعه افزایش یابد، میزان طلاق نیز افزایش خواهد یافت. به نظر می رسد توسعه به غیر از اقتصاد، فرهنگ را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. از این رو، با گذار از فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن و توسعه یافتگی بیشتر، طلاق نیز افزایش می یابد.

از دیگر عوامل کلان می‌توان به عامل اجتماعی - فرهنگی اشاره کرد که در پژوهش‌های تجربی با این عنوان‌ها آمده است: گرایش به ارزش‌های مدرن، از بین رفتن ارزش‌های سنتی (نعمی، ۱۳۹۰)، ریختن قبح اجتماعی طلاق (سیف زاده، برزیان، ۱۳۹۲)، نداشتن نظم (سنجیده شده با چهار شاخص هم‌بختی، هم‌دلی، هم‌گامی و هم‌فکری) و سرمایه اجتماعی درون خانواده و عدم تناسب ساختار قدرت در خانواده^۸ (پروین، داوری، محمدی، ۱۳۹۱) و (اسحاقی، محبی، پروین، محمدی، ۱۳۹۱)، محیط نامناسب اجتماعی، کم‌رنگ شدن نظارت و کنترل اجتماعی (عنایت، نجفی اصل، زارع، ۱۳۹۲)، اعتیاد (در سطح تهران بزرگ) (کاملی، ۱۳۸۶)، (قطبی، هلاکویی نایی، جزایری، رحیمی، ۱۳۸۳)، (ریحانی، عجم، ۱۳۹۱)، (مشکی، شاه قاسمی، دلشاد نوقایی، مسلم، ۱۳۹۰)، (زرگر، نشاط دوست، ۱۳۸۶)، (توسلی، غیاثی ندوشن، ۱۳۹۰)، (عظیمی، عابدزاد نویریان، ۱۳۹۲).

در ادامه، باید به این نکته اشاره کرد که بخش زیادی از مطالعات تجربی انجام‌شده در حوزه طلاق مربوط به عوامل خرد است که در این پژوهش گزارش نشده است.

۲،۴ جمع‌بندی

بررسی روند آماری شاخص تعداد طلاق‌ها و نسبت آن به تعداد خانواده‌ها نشان‌دهنده تضعیف تدریجی بنیان خانواده در ایران است. مقایسه با کشورهای دیگر نیز بیانگر آن است که وضعیت کشور از نظر میزان طلاق در خانواده‌ها و وضعیتی نامناسب است که در شأن یک کشور اسلامی نمی‌باشد. اگرچه مقدار شاخص نسبت تعداد طلاق به تعداد خانواده در مقایسه با کشورهای دیگر پایین‌تر است؛ اما اختلاف قابل توجهی با آن‌ها ندارد، به نحوی که ممکن است طی سال‌های آینده این اختلاف به حداقل برسد. از جمله علل این پدیده می‌توان به علل اقتصادی چون بیکاری، فقر، رکود و علل اجتماعی-فرهنگی مانند اعتیاد، کاهش نظارت اجتماعی، افزایش عدم تناسب در ساختار خانواده، کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده و ریختن قبح طلاق اشاره کرد. البته همان‌طور که بیان شد آمار طلاق در کشورهای دیگر فقط بخشی از جدایی زوجین را نشان می‌دهد؛ اما به هر حال کشور نیازمند اقدامات گوناگون در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی برای جلوگیری از افزایش تزلزل در بنیان خانواده‌ها به عنوان مخاطب اصلی سیاست‌های کلی جمعیت است.

۲،۵ منابع

۱. ابراهیمی، بنی فاطمه، س. (۱۳۹۱). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، سال پنجم، (شماره هفدهم).

^۸ منظور این است که در تصمیم‌گیری‌ها چه کسی حرف آخر را می‌زند.

۲. اسحاقی، محبی، پروین، محمدی، م. (۱۳۹۱). سنجش عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران. فصلنامه زن در سیاست و توسعه، دوره دهم، (شماره سوم).
۳. پروین، داوری، محمدی، س. (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، (شماره پنجاه و سه).
۴. توسلی، غیائی ندوشن، غ. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی موثر بر طلاق طی دهه اخیر (مطالعه موردی استان یزد سال های ۸۶-۸۰). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، (شماره چهارم).
۵. حبیب پور گتایی، نازک تبار، ک. (۱۳۹۰). عوامل طلاق در استان مازندران. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، (شماره پنجاه و سه).
۶. ریحانی، عجم، ط. (۱۳۹۱). بررسی علل طلاق در شهر گناباد. مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، دوره هشتم، (شماره دوم).
۷. زرگر، نشاط دوست، ف. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. فصلنامه خانواده پژوهشی، سال سوم، (شماره یازدهم).
۸. سازمان ثبت احوال کشور. (۱۴۰۱). دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت. جداول سالنامه.
<https://www.sabteahval.ir/avej/Page.aspx?mId=49826&ID=3256&Page=Magazines/SquareshowMagazine>
۹. سیف زاده، برزین، ع. (۱۳۹۲). بررسی نقش خشونت بر میزان طلاق در میان زنان. فصلنامه زن و جامعه، سال چهارم، (شماره سه).
۱۰. شهولی، رضایی فرد، س. (۱۳۹۰). بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده های شهرستان ایزده. فصلنامه جامعه پژوهشی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، (شماره اول).
۱۱. عظیمی، عابدزاد نوپریان، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق عاطفی زوجین در خانواده. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، سال سوم، (شماره دهم).
۱۲. عنایت، نجفی اصل، زارع، ح. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر (مقایسه دو گروه افراد طلاق گرفته و متدهل طلاق نگرفته). دوفصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، سال دوم، (شماره سوم).
۱۳. عیسی زاده، بلالی، قدسی، س. ا. (۱۳۸۹). تحلیل اقتصادیطلاق: بررسی ارتباط بین بیکاری و طلاق در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۵. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، (شماره پنجاه).
۱۴. قریشی، شیرمحمدی، برجومد، ف. (۱۳۹۳). فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته (مطالعه موردی شهر سقز). فصلنامه پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال سوم، (شماره اول).
۱۵. قطبی، هلاکویی نایی، جزایری، رحیمی، م. (۱۳۸۳). وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، (شماره دوازدهم).
۱۶. کاملی، م. (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل موثر در بروز آسیب های اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود. فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، (شماره سوم).
۱۷. محسن زاده، نظری، عارفی، ف. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، (شماره پنجاه و سوم).
۱۸. محمودیان، خدامرادی، ح. (۱۳۸۹). بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان های کشور سال ۱۳۸۵. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، (شماره سی و دو).
۱۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۷۰). سالنامه آماری. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۰). سالنامه آماری. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۹). سالنامه آماری. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۲. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سالنامه آماری. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹). سالنامه آماری. تهران: مرکز آمار ایران.

